

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کله پیک های ارژانتینی



کمدی کله پیکه های ارژانتینی

نویسنده : **حسن سالارمنش**

(بر اساس کتاب معروف بیشعوری اثر خاویار کرمنت)

دیگر آثار نویسنده :

- | | |
|--------------------------------------|-------------------------------|
| ۱۰. کمدی خانواده آقای جعفر زیرشلواری | ۱. کمدی جنگ جهانی |
| ۱۱. کمدی اسکیمو | ۲. کمدی دالتون ها وننه قمر |
| ۱۲. طنز کوتاه نوق علی تماته فروش | ۳. کمدی جزیره گنج |
| ۱۳. کمدی مارتین لودر | ۴. کمدی فتحعلی شاه قاجار |
| ۱۴. کمدی چهار دلاک | ۵. کمدی اومو |
| ۱۵. نوق علی وپادشاه عربستان | ۶. کمدی کفتار فقط املت میخوره |
| ۱۶. کمدی نابغه خنگ | ۷. کمدی پارازیت |
| ۱۷. کمدی بزغاله های فانتزی | ۸. کمدی واردات ممنوع |
| ۱۸. وچندین متن کوتاه طنز ... | ۹. کمدی اختراعات |

کاراکترها :

۱. الن بیک (۳۰ساله کله بیک ترین فرد کشور ارژانتین)

۲. خانم سی سیلی

۳. پاول گابریل (پرنده فروش)

۴. خانم بارداریچ (اصالتا بلغاری)

توضیحات : گاودوش دهکده ای دور افتاده در غرب ارژانتین که در سال ۱۹۵۶ میلادی مردی به نام الن پیک در آن زندگی میکرد که بسیار مونگول بود تا جایی که خودش هم فهمیده بود مونگول وکله پیک هست و به خاطر همین کله پیکی بودن همسر او بعد از ۲۴ ساعت از او طلاق می گیرد. الن پیک به بیماری عجیبی به نام کله پیکی گرفتار میشود و اهالی دهکده به خاطر ترس از این که مثل او کله پیک بشن با او حرف نمی زنند زیرا طبق باورهای غلط معتقد هستند وپروس کله پیکی به ان ها سرایت می کند درحالی که به باور غلط ان ها کله پیکی نوعی بیماری نیست درحالی که بیشعوری بیماری خطرناک تر و شاید هم خطرناک ترین بیماری تاریخ بشریت باشد مشکل اصلی جوامع امروزی احمق ها نیستن بلکه بیشعورها هستن ، بیشعورها فرمانروایان زورگویی هستن که فقط زمانی خوشحال میشن که حرمت و شادمانی اطرافیان را ظایع می کنن بیشعورها همیشه سعی کردن از کله پیک های جامعه سو استفاده کنن. برای ساخت دکور این نمایش زحمت زیادی لازم نیست شما می توانید با نشانه های ساده ، فضای مورد نظر متن را ایجاد کنید پیشنهاد میکنم به جای دکور بیشتر روی لباس بازیگران وقت بزارید...

صحنه { الن پیک در حالی که مقدای بار هیزم به پشت خود بسته از طرف راست صحنه نفس نفس زنان وارد میشود }

الن پیک – { روبه تماشاگران و بعد اطراف و پشت سرشو نگاه میکنه } { چیه مگه ادم ندیدین بار هیزم به دوش بکشه این ایجوری هم به من زل نزنید روحیه ام خراب میشه ، راستشو بخواین اسم من الن پیکه ولی خیلی ها بهم میگن کله پیک ، من روزهای اولی اصلا کله پیک نبودم و کسی هم بهم نمیگفت کله پیک ولی از روزی که خیلی چیزهایی جدیدی تو این دهکده کشف کردم همه بهم میگن کله پیک خوب طبق نظریه خودم بعضی ادم های زشت هستن بعضی ها ادم هازیبیا بعضی ها کچل هستن بعضی بی مو اما بزرگ ترین کشفی که کردم و کتاب ها دربرابرش سکوت کردن در مورد حیوانات بود خصوصا چهارپایان .. همه میدونیم الاغ هم دم داره هم سم داره { کف پاشو نشون میده } اما من کشف کردم خر مارکو پلو هم دم داشته هم سم داشته هم بال ، اخه باکدوم خر میشه دور دنیا را توچند روز بگردی .. { سپس بار هیزم رو باز میکنه بهتره یه کم اینجا استراحت کنم کفش خود را درمیاره و میتکونه سپس بالا میگیره } همیشه واسم سوال بود چرا بعضی کفش ها بند دارن بعضی کفش ها بند ندارن { یکم فکر میکنه } خوب حتما بند تموم شده چه حرفی هایی میزنی خنگ خدا .. ای بابا زبونم لال خودمم به خودم میگم خنگ خدا نکنه جدی جدی خنگ هستم و خبرندارم .. چه بویی خوشی میشنوم { سپس جوراب پاهای خود را بو میکنه } به به عجب بویی تویه کتابی خوندم میگه بوی جوراب واسه خود فرد خوشبوست ولی واسه اطرافیان بد بو ، ولی من معتقدم بهترین نظریه درمورد جوراب ها را داروین داده که اگر جوراب هاتو ده روز پشت سرهم نشویی بو میگیره ، خب بو میگیره نکنه توقع داشتنین بگه بوی برنج مزارع ایسلند میده ، ولی اگر نظر منو بخواین هر ادمی یه بوی مخصوصی میده مثلا قصاب بوی گوشت میده ، نانوا بوی نان ، میوه فروش بوی میوه ، خرفروش بوی خر .. نه نه بیخشید مثل این که دوباره اشتباه کردم خرفروش بوی قاطر واسب هم میده پس نظریه ام ناقصه و نیاز به بررسی بیشتر دانشمندان جهان داره ..

{ در همین لحظه پرنده فروشی بایک جعبه ای که در دست دارد از سمت چپ صحن وارد میشود }

گابریل – { باصدای بلند } طوطی ، بل بل ، هد هد ، لک لک ، اردک ..

الن پیک- چه خیرته مگه داری درس ادبیات تدریس میکنی ؟

گابریل – تو باید کله پیک معروف این دهکده باشی

الن پیک – { بلند میشود و به طرف کله پوک میرود } تو از کجا میدونی که من کله پیک هستم

گابریل – خب واسه این که خودمم یه کله پیکم ، میدونم کی کله پیکه ، کی کله پیک نیست

الن پیک – ولی من از تو باهوش ترم

گابریل – اصلا هم اینطور نیست ، اگر راست میگی یه نگاهی به بالا بنداز سین چه میبینی

الن پیک – { روبه آسمان نگاه میکنه } من که به غیر از خورشید و چند تکه ابر چیزی نمیبینم

گابریل – ولی من اسمونو تنها میبینم

الن پیک – خب کله پیک پس خورشید و ابر چی ؟

گابریل – خب اونا خودشو دیگه جز اسمون هستن ، حالا اطرافتو نگاه کن ببین چه میبینی

الن پیک – من فقط یه مجسمه ای وسط این میدون دهکده میبینم

گابریل – من چندسال از این دهکده عبور میکنم کاش میفهمیدم این مجسمه کی هست ..

الن پیک – خب من یه فکر خوبی دارم میخوای با سنگ بزن دماغشو بشکون فردا تو روزنامه حتما مینویسند .. مجسمه کی بود

گابریل – { یه سنگی برمیداره } آفرین این چرا به ذهن خودم نرسید ، مثل این که واقعا کله پیک نیستی

الن پیک – اولین نفری هستی که بهم میگی کله پیک نیستی از آشنایی باشما خوشبختم

گابریل – ولی من از آشنایی با شما بدبختم

الن پیک – چرا

گابریل – اخه من پشیمون شدم اگر با سنگ بزنم دماغ این مجسمه را بشکونم بعد بره شکایت کنه کی جای من میره زندان ..

الن پیک – اره راست میگی پس ولش کن ... میگم احساس میکنم قبلا جایی دیدمت

گابریل – خوب کله پیک من گفتم هر سالی یک بار از این دهکده رد میشم

الن پیک – شما نه همون میوه فروش پارسالی بودین که دو کیلو کدو ازتون خریدم ، وقتی رفتم خونه با ترازوی خودم کشیدم دیدم فقط یک ونیم کیلوه

گابریل – نه اشتباه گرفتی، شاید کیسه ای که بهت داده سوراخ بود مقداری از کدو ها ریختن روی زمین متوجه نشدی

الن پیک – اره احتمالاً کیسه سوراخ بود ولی خودم که نصف راه داشتم میرفتم گشتم شده بود چندتا بیش را خوردم، فکر کنم کیسه سالم بوده اون موقع

گابریل – کله پیک کسی کدو زنده میخوره

الن پیک – خب گشتم شده بود، خوب اگر نخورم به کله پیک بودن خودم شک میکنم

گابریل – من پیشنهاد مهم وقتی که کدوها را وزن کردی خودتو هم با ترازو اشپزخونه ات وزن میکردی

الن پیک – چی گفتین ..

گابریل – خنگ هستی، کر که نیستی

الن پیک – من گوش هام سالمه، تو خانواده ما فقط مادر بزرگم گوش هاش سنگینه که خدارا شکر حالا گوشه اش خوب شدن

گابریل – مگه تو طبییی تواز کجا میدونی؟

الن پیک – خب دیشب که داشت بارون میومد صائقه به پشت بوم خونه امون خورده بود، به من گفت پسرم ببین کیه نصف شبی در میزنه

گابریل – خب چرا نرفتی درب خونه را باز کنی ببینی کیه

الن پیک – خوب رفتم باز کردم ولی دیدم صدای صائقه بود، من رفتم پیشش گفتم، مادر بزرگ صائقه بود گفت پس دربو واسش باز نکن، دیگه تا صبح هرچه درب میزد دربو واسش باز نکردم

گابریل – خدارا شکر، تا الان فکر میکردم کله پیک ترین فرد ارژانتینم ولی الان میبینم یکی از خودم خنگ تره مثل این که مشتری نیستی من باید برم ..

الن پیک – دوست عزیز صبر کن میخوام ازت خرید کنم

گابریل – خب چه میخوای، من که الاغ ندارم

الن پیک – کله پیک کی گفته من الاغ میخوام

گابریل – خوب فکر کردم واسه این بار هیزمت الاغ میخوای

الن پیک – نه میخوام پرنده بخرم... ببینم طوطی سبز دم بریده سخنگو همراهت نیست

گابریل – نه اقا من فقط همین یه دونه کبوتو واسه فروش دارم

الن پیک - نه کبوتر نميخواه زياد گندم ميخوره يه خر جي ميزاره رو دستم ،بعدهم بخوام بکشمش يه کيلو گوشت هم نداره

گابریل - حالا چرا طوطی سبز دم بریده ميخواي ،دم دار باشه مشکليه

الن پیک - خب اون طوطی واسم قصه ميگفت تا خوابم بگيره

گابریل - { متعجب } واقعا مثلا چه قصه اي ميگفت

الن پیک - ميگفت يه اقاي کله پيکي تويه چاله مي افتد وبعد توي يه چاه ديگه ادامه قصه رانميگفت هر شب همين کارش بود وقتي وسط هاي قصه ميرسني قصه را قطع ميکرد وچيزي نميگفت منم ديگه حوصله ام سر ميرفتم اينقد به قفسه زل ميزدم تا خوابم ميگرفت تا اين که يه شب طوطی توي قفس يه چرخي زد وگفت اگر ميخواي ادامه قصه رابشنوي يه شرط دارم ،گفتم چه شرطی طوطی جان ،گفت بايد درب قفس را ازاد کنی تا من ادامه قصه رابگم منم گفتم چشم درب قفس را باز کردم ديدم پرواز کرد وميگفت کله پيک جان قصه تو پايان نداره.خداحافظ ..ديگه از اون روز تا الان نديدمش .. { در همين لحظه الن پيک روی زمین ميفته واز شدت درد اه وناله ميکنه }

گابریل - { با دلسوزی } دوست عزيز چی شده ؟

الن پیک - خوردم زمین زانوم زخمی شد

گابریل - کي ،الان اينطوری شدی ..

الن پیک - { به راحتی بلند ميشه وخودشو ميتکونه } نه بابا يه ساعت پيش بالاي دهکده سي سيلی ..

گابریل - خب کله پيک چرا الان ناله وزاری ميکنی

الن پیک - خب خواستم متوجه بشی امروز صبح خوردم زمین وزخمی شدم

گابریل - پاشو برو هيضم هاتو جمع کن برو..اصلا اين هيضم ها به چه دردت ميخورن

الن پیک - خوب برای فرستادن پيام از شون استفاده ميکنم

گابریل - اها ،من فکر کردم واسه سوخت وروشنایی نیاز داری

الن پیک - نه برای فرستادن پيام از اين دهکده به اون دهکده

گابریل - ميگم شما برای فرستادن پيام به وسيله دود به دهکده هاي ديگه چقد هيضم نیاز دارين

الن پیک -خب بستگی داره مکالمه محلی باشه يا از راه دور

{در همين لحظه خانم سي سيلی با ارايش کاملا غليظ درحالی که چتری رو سر خود گرفته وسبدي در دست دارد وارد ميشود }

الن پیک - اين خانمو فک کنم من بشناسم قبلا همسر م بود

خانم سی سیلی - { اخم میکند } تو یه کله پیکی الن

الن پیک - خانم سی سیلی شما خودتون یه کله پیک هستین که بعداز چند سال تازه فهمیدی من کله پیکم

گابریل - { درحالی که به خانم سی سیلی زل زده } چی... خانم چی چیلی

خانم سی سیلی - { به طرف گابریل دستشو دراز میکنه } سلام.. خانم سی سیلی هستم، از دهکده سی سیلی، از آشنایی با شما خوشبختم

{ گابریل متعجب میشود.. میخواد دست بدهد }

الن پیک - { با عصبانیت } دستتو بکش کبوتر فروش، که قلم دستتو خرد میکنم

سی سیلی - { می خندد } به تو چه ربطی داره، اصلا دلم میخواد

الن پیک - ولی تو حق نداری به هر ادم غریبه ای دست بدی مگه یادت رفته بیست و چهار ساعت و ۳۰ ثانیه همسر قانونی من بودی

سی سیلی - خب قبلا بودم ولی طلاق گرفتم.. اخه کی با ادم خنگولی مثل تو زندگی می کرد خدایا بگم چکارت کنه پدر که مره به این کودن احمق داده بودی

الن پیک - پدرت تورا به من نداد، بلکه تورابه من انداخت اخه کی حاضره با یه دختری خوشکلی مثل تو ازدواج کنه

گابریل - { متعجب } آقای پیک اشتباه نگفتین

الن پیک - تو حرف نزن سر بشقابی که هرچی میکشم از نگاه های عاشقونه خودته که این دختر و لوس و مغرور میکنه

خانم سی سیلی - وای چرا نم‌طه حوصله ام سر رفته

گابریل - کی نمیاد خانم سی سیلی؟

خانم سی سیلی - خوب بارون.. من عاشق بارونم

الن پیک - خب کله پیک هنوز بارون نیومده تو چرا چترتو باز کردی

گابریل - نکنه شما هم کله پیک هستین خانم سی سیلی

خانم سی سیلی - حیف که ادم قانونیم و دست رو اقایون بلند نمیکنم، والا میزدمت که صدای گوسفند بدی

گابریل - { ترسیده } بله !

الن پیک - تو اصلا میدونی زندگی چند قانون داره

خانم سی سیلی - خوب زندگی چهار قانون داره .. قانون اول .. قانون دوم .. قانون سوم .. همه قانون ها

گابریل- { در همین لحظه عطسه میکنه } وای نمیدونم چند روزیه ؛یه عطسه رفت داخل بینی ام
هرکاری میکنم نمیاد بیرون

الن پیک - چه نمیاد بیرون آقای پرنده فروش

گابریل - خوب عطسه

خانم سی سیلی- من یه فکر خیلی خوبی دارم ، باید ببینیم عطسه از چه راهی رفته داخل بینی ات
، از همون راهی که رفته درش بیاریم

گابریل - اره فکر خیلی خوبیه باهات موافقم ، ولی من که جایی نرفتم فقط کنار کولر خوابیدم

الن پیک - چتوسر گابریل میزنه { خب خنگ خدا حتما از راه همون کولر رفته باید بریم داخل کولر
درش بیاریم

خانم سی سیلی - آقای پیک خب خطرناکه کولر روشن باشه ما بریم دنبال عطسه

گابریل - ای خدا خب کله پیک مجبور که نیستیم کولرو خاموش میکنیم ..

الن پیک - میگم آقای گابریل شاید رفتین داخل رود خانه شنا کردین اب رفته توش

خانم سی سیلی - { تو سر خود میزنه } ای خدا این چقد خنگه ما میگیم عطسه رفته این میگه اب ..

الن پیک - خب میگی چکار کنم میخوای با ناخونم عطسه را از بینی ات بیارم بیرون

گابریل - وای من گشتم شده چیزی تو سببتون واسه خوردن نداری

خانم سی سیلی- چرا مقداری پنیر دانمارکی و مقداری خوراک اسفناج همراهه

الن پیک - وای من که پنیر نمیخورم میگن پنیر ادمو خنگ میکنه

گابریل - خب مجبور نیستی پنیر بخوری ، به جاش خوراک اسفناج بخور تا لپ هات یه کم رنگ
بگیره

الن پیک - ولی من دوست ندارم لپهام سبز رنگ بشه

خانم سی سیلی - من همیشه دوست داشتم شوهرم یه پسره سبز و جذاب باشه

الن پیک - حالا که اینجوریه حاضرم روم سیاه بشه ولی سبزه نشم

گابریل- { روبه اسمون نگاه میکنه } وای مثل اینکه میخواد بارون بیاد

خانم سی سیلی - { چتر را خاموش میکنه } خدارا شکر باخودم چتر اوردم

الن پیک - وای من میترسم اگر الان رعد و برق بزنه چکارکنیم

گابریل – خب احمق باید روی زمین دراز بکشیم

خانم سی سیلی – واسه چی باید دراز بکشیم آقای گابریل ؟

گابریل – خب واسه اینکه صائقه خیال کنه ما قبلا مردیم

خانم سی سیلی – اره راست میگی چرا به ذهن خودم نرسیده بود

الن پیک – حالا فهمیدم هر دو تا مونگول هستین .. خب احمق ها چتر داریم چرا نریم زیر چتر

خانم سی سیلی – نکنه خیال کردی من میزارم بیای زیر چترم ...

گابریل – اره چه اشکالی داره هر سه تامون میریم زیر یه چتر

خانم سی سیلی – کورخوندین فقط کافیه بهم نزدیک بشین این چتر و میکنم توجشاتون ..

الن پیک – مگه دیونه شدی اینجوری که نابینا میشیم ..

گابریل – گفتم نابینا یاد کتاب معروف نابینایان افتادم میگم کتاب معروف نابینایان از کی بوده

خانم سی سیلی – فک کنم منظورت کتاب بیفویان هست

گابریل – اره درسته بیفویان

الن پیک – { چرا اینجوری بهم نگاه میکنید } نکنه فکر کردین کار من بوده ...

خانم سی سیلی- خب کار منم نبود ،حتما کار خودت بوده

گابریل – کله پیک ها اگر میدونستم از شما می پرسیدم

{ در همین لحظه خانمی با شکم باردار درحالی که گیتاری از گردنش اویزان هست وارد میشود }

الن پیک – این خانم کیه ،شکمش چرا اینقد جلو هست

خانم بارداریچ –سلام مثل اینکه داره خیلی خوش میگذره ،خانم بارداریچ هستم

گابریل – { احم میکند } خب معلومه که بارداری مگه ما چیزی گفتیم

خانم سی سیلی – کله پیک فامیلش بارداریچه ،فک کنم اصالتا صرب باشی

خانم بارداریچ – نه من اصالتا بلغاری هستم

الن پیک – ببخشید خانم بارداریچ شما مجرد هستین

خانم سی سیلی- احمق کودن مگه نمیبینی شکمش پره

گابریل – مگه هرکس شکمش پره متاهله

الن پیک - خب راست میگه اگر اینجوری باشه شکم ننگ هم پره اون متاهله

خانم بارداریچ - اقای پیک عزیزم من متاهل هستم

الن پیک - وای دیدین ..دیدین باورم نمیشه اولین خانمی هستی که بهم گفتی عزیزم

گابریل - { حقه الن پیک رامیگیره } خجالت نمیکشی اینطوری به ناموس مردم زل میزنی

الن پیک - به توجه مگه ناموس توئه ..

گابریل - پس چی فکر کردی

خانم سی سیلی - اقای گابریل شما نسبتی با این خانم دارین

خانم بارداریچ - { رو به گابریل } فک نکنم به شما ربطی داشته باشه اقای گابریل

الن پیک - ایول خانم باردار خوب حالشو گرفتی

خانم سی سیلی - مگه شما ایشون را میشناسی

خانم بارداریچ - { دروغ میگه } اره این شوهرمه از هم طلاق گرفتیم ، قرار بود خرشو ببره بفروشه و مهریه منو بده

گابریل - چرا دروغ میگی من کی زن گرفتم من اصلا تورانمیشناسم

خانم سی سیلی - یعنی این پدر اینه که توشکمه

الن پیک - میگم خانم بارداریچ الان دیگه نمیشه من از شما خواستگاری کنم

خانم بارداریچ - نه عزیزم باید اول تکلیف این بچه مشخصه بشه بعد باهم ازدواج میکنیم

الن پیک - ولی من که فعلا قصد ازدواج ندارم باید فکرامو کنم نمیشه یه وقتی دیگه واسه خواستگاری مزاحم مادر بزرگم بشی

گابریل - { روبه خانم بارداریچ } میگم نکنه واقعا همسرم باشی من یادم رفته

الن پیک - نه اقا محترم اشتباه گرفتی ،تا الان که میگفتی من نمیشناسم

خانم سی سیلی - ای خدا کجای دنیا دیدین یه جوون از یه زن باردار خواستگاری کنه ،بعدش من که اینقد خوشکلم چرا خواستگار ندارم

گابریل - مگه من مغز خر خوردم زن خوشکل بگیرم

الن پیک - میگم خانم بارداریچ این دست چپ خر چیه از گردنت اویزونه

خانم بارداریچ - عزیزم این سازمه باهاش اهنگ میزنم میخوای واستون یه اهنگی بزنم

گابریل – باشه بزن ...

{ خانم بارداریچ شروع به نواختن میکند در همین لحظه الن پیک سازو از دست خانم بارداریچ میگیره بده تاخودم بزنم یه اهنگ اسپانیایی میزنه وبا گابریل دونفری رقص تانگو انجام میدن.. }

الن پیک – دیدین خانم بارداریچ که از هر هنر من یه دست میباره میباره ، حالا که علاقه ات به من بیشتر شده پیشنهاد میکنم دوماه دیرتر بیاین خواستگاریم

خانم بارداریچ – مطمئنی مخت تکون نخورده عزیزم

گابریل – اینقد عزیزم عزیزم نکن

الن پیک – چیه مثل سگ عصبانی هستی گابریل

گابریل – به من میگی سگ ، کاری نکن بدمت به سگ های بخورنت

خانم سی سیلی – کدوم سگ ها ، سگ های این منطقه ای که من میشناسم همشون اسهال گرفتن ونسلشون در حال منقرضه

خانم بارداریچ – خب بدش به کلاغ ها چشمشو از کاسه دربیارن

الن پیک – کدو کلاغ ها تموم کلاغ های این منطقه را شکارچیان منقرض کردن

خانم بارداریچ – تازه من که تو راه داشتم میومدم خیلی ها از درختان این منطقه هم قطع بودن

گابریل – باید یه فکری کنیم اینجوری پیش بره طبیعت نابود میشه

الن پیک – خب حالا میگی چکار کنیم گابریل

خانم سی سیلی – تو خودت چرا اینقد هیزم هر روز میبری خونه

الن پیک – خب اگر هیزم نکشم بهم نمیگن کله پیک ، بعدشم مگه من تموم درخت ها این منطقه را قطع کردم

خانم بارداریچ – این جوری که معلومه هیچی از درختان امازون باقی نمیمونه

گابریل – منظورت درختان لایه ازونه ؟

خانم سی سیلی – کودن احمق مگه لایه ازون هم میشه درخت کاشت

گابریل – یعنی نمیشه

خانم بارداریچ – چرا میشه ولی باید اب از زمین ببریم لایه ازون

الن پیک – میگم این لایه ازونی که میگن کجاست بالاغ میشه برم

خانم سی سیلی – { یه کم فکر کنه } فکرکنم چند دهکده اون طرف تر باشه

گابریل – خداراشکر من که فکر کردم طرف شوق سیاست

الن پیک – من که حوصله ام سررفته خانم بارداریچ، پس این بچه ای که تو شکفته کی میخواد به دنیا بیاد

خانم بارداریچ – خب هنوز سه ماهشه باید تاشش ماه دیگه صبر کنی

الن پیک – همیشه یه کاری کنید زودتر به دنیا بیاد

خانم سی سیلی – تو چرا اینقد عجله داری ..

گابریل – بعدشم به تو چه ربطی داره ..

الن پیک – خب مخوام ببرمش تو کوه شکاریادش بدم

خانم بارداریچ – شکار چی یادش بدی

الن پیک – شکار جوجه تیغی

خانم سی سیلی – معلوم شد همه اش کار خودته که داری به محیط زیست صدمه میزنی

گابریل – ما به محیط زیست صدمه میزنیم یا محیط زیست به ما صدمه میزنه

خانم بارداریچ – خب معلومه محیط زیست داره به ما صدمه میزنه، من الان یه زن باردارم حیوانات وحشی را ول میکنن تو این منطقه نمیگن من یه زن باردارم میترسم

الن پیک – تازه چند وقت پیش من رو تخرم دراز بودم صبح بیدار شدم دیدم یه خرسی روی میز صبحانه من نشسته هرکاری میکنم هم بلند نمیشد

خانم سی سیلی – خب بعدش چی شد

الن پیک – بعدش از خوابم پریدم مادر بزرگم گفت برو سرچشمه اب بیار

خانم سی سیلی – بهتره من برم تا بیشتر از این پیش شما دیوونه نشدم

گابریل – صبر کن خانم سی سیلی شما نمیتونید مارا ترک کنید مگه یادتون رفته عاشق من شدین

خانم سی سیلی – بله!

خانم بارداریچ – خب راست میگه وقتی عاشق شدی روش بمون

خانم سی سیلی – من غلط کنم عاشق بشم، فقط یه بار عاشق شدم اونم واسه همون یه بار بود، ساعت ۷ صبح عاشق شدم ساعت ۷ صبح بعد طلاق گرفتم

الن پیک – اره راست میگه، سی سیلی جان همیشه دوباره عاشق من بشی

خانم بارداریچ – خب تو چی داری که بخواد دوباره عاشقت بشه

الن پیک - { دستشو به طرف هیزم ها دراز میکنه } خب کلی هیزم دارم

گابریل - { می خنده } آقای پیک مگه هیزم هم سرمایه هست

خانم بارداریچ - حتما هم فردا میخوای غذا به همسرت هیزم بدی

خانم سی سیلی - ولی به نظر من هیزم بهترین سرمایه هست اگر به خوبی از درختان استفاده کنیم

خانم بارداریچ - { رو به گابریل } ای خاک توسرت از اینا یاد بگیر ، تو خودت چه سرمایه داری بعدشم مگه نمیخوای مهریه منو بدی

گابریل - خب منم یه دونه کبوتر دارم

الن پیک - خب همین یه دونه کبوترو بکش ، یه جشن عروسی بزرگی بگیر

خانم سی سیلی - همه اهالی دهکده راهم دعوت کن

گابریل - ولی من که پولی ندارم بدم واسه مهریه ات فقط همین یه دونه کبوتر

خانم بارداریچ - ولی من تا قرون اخر ازت میگیرم

خانم سی سیلی - خب نداره شما کوتاه بیاین

الن پیک - میگم خانم بارداریچ فک کنم خیلی بیشعور هستین

خانم بارداریچ - بیشعور پدرته ، بیشعور پدر پدر سگتقنگاه کن گیر سه کله پیک افتادم

گابریل - خداراشکر ماسه تا کله پیکیم

خانم سی سیلی - خودتو ناراحت نکن آقای گابریل مشکل جامعه ما نیستیم مشکل جامعه بیشعور ها هستن

خانم بارداریچ - وای چشم روشن خانم سی سیلی حالا من شدم بیشعور و مشکل جامعه ، بعدشم شما خودتون چرا از این کله پیک جدا شدین

خانم سی سیلی - خب ما باهم تفاهم نداشتیم مگه نه الن ؟

الن پیک - بله عزیزم ، بعدشم خانم سی سیلی با این که کله پیکه مهریه هیچی ازم نخواست بنده خدا

گابریل - کاشکی منم یه همسری مثل خانم سی سیلی گیرم میومد

خانم بارداریچ - که بهش خیانت کزی ؟

گابریل - من بهت خیانت نکردم ، فقط به خاطر اینکه مشکل مالی داشتم واشتباهی به جای کود سفید سم سفید ریختم تو مزارع اموالمو ازدست دادم ..

خانم بارداریچ - خب کی حاضره با یه کله پیکی مثل تو زندگی کنه

الن پیک - خب حالا این کله پیک ، اقا منم کله پیک ، خانم سی سیلی هم کله پیک شما که عاقل هستین
ومیبینی این ذلیل مرده پول نداره {توسر گابریل میزنه } چرا میخواین هر جوری شده مهریه بگیری

خانم سی سیلی - گابریل مگه خانم بارداریچ چندسال همسرت بود؟

گابریل - خب دوازده روز

الن پیک - پس اینی که توشکمشه از کیه ؟

گابریل - خب من چی بگم

خانم سی سیلی - { صلیبی که گردنشه بوس میکنه } یا حضرت مسیح

خانم بارداریچ - پاول یعنی میخوای بگی این بچه از تو نیست

گابریل - خب از من نیست { رو به الن پیک } مگه از توه

الن پیک - نه از من نیست نکنه از از خانم سی سیلی باشه

خانم بارداریچ - حالا میخوای چکار کنی پول منو میدی یا برم دادگاه کلیسا ویتن برگ شکایت کنم

گابریل - خب من کی چیزی ندارم ، بعدشم من که یادم نمیاد زنی گرفته باشم

خانم سی سیلی - خانم بارداریچ حداقل بزار شش ماه دیگه بوسه ، بعدبرو شکایت کن

الن پیک - بعدشم شایداینی که توشکمته ادم نباشه

{ در همین لحظه خانم بارداریچ میترسه وبالشتی که زیر شکمش هست میفته وفرار میکنه سپس

از صحنه خارج میشه همه متعجب میشن }

الن پیک - این دیگه کیه فک کنم پسرت متولد شده گابریل

گابریل - این که بالشته پسر نیست

خانم سی سیلی - من که یه کم درجه کله پیکیم از شما بالاتره احساس میکنم این هرکی بود خواست

بهمون کلک بزنه

الن پیک - خب واسه چی

گابریل - ولی من هرچی فکر میکنم همسری نداشتم

خانم سی سیلی - حتما فکر کرده ما احمقیم خواست از مون پول بکشنه ..

الن پیک - گابریل خب اگر همسرت نبود چرا روش اینقد حساس بودی

گابریل - خب به خاطر این که احمق بودم

الن پیک - منم چندروز پیش یه دختری شبیه خانم سی سیلی ازم پول خواست
خانم سی سیلی - چرا تهمت میزنی آقای پیک
گابریل - منم یه آقای چندروز پیش شبیه آقای پیک یه سندی همراهش بود گفت داداشتم ارثمو بده
الن پیک - مگه ارثی بهش دادی ؟
گابریل - اره باغ تماته ای که مرحوم پدرم واسم گذاشته بود بهش دادم
الن پیک - { توسر گابریل میزنه } ای کله پیک ، پس اینی که اومد پیش من کی بود
خانم سی سیلی - کی اومد پیشت آقای پیک
الن پیک - یه نفری اومد سند یه باغ تماته ای دستش بود گفت مزرعه ام بر اثر سیل خسارت دیده اگر
میشه بهم کمک کنید
خانم سی سیلی - تو هم بهش کمک کردی ؟
الن پیک - اره دلم سوخت دو کیسه گندم مال مادر بزرگ بوده بهش دادم
خانم سی سیلی - پس اونی که اومد پیش من کی بود ؟
گابریل - کی اومد پیشت خانم سی سیلی
خانم سی سیلی - یه جوونی اومد پیشم گفت مادر بزرگ آقای پیک داره از گشنگی میمیره ، گفت یه
کیسه گندم واسم بیار
الن پیک - تو هم بهش دادی ؟
خانم سی سیلی - خب دلم سوخت بهترین گندم مزرعه امونو بهش دادم
گابریل - مثل اینکه همه فهمیدن ما سه نفر کله پیک واحمقیم
الن پیک - اره همه میدونن احمق وساده لوح هستیم دارن از مون سواستفاده میکنن
خانم سی سیلی - واقعیت این که خیلی از مردم بیشعور شدن وادم های بیشعور بیشتر از ما احمق ها
به همه زیان می رسانن
الن پیک - ولی من دیگه از احمق بودن خودم خسته شدم ، همه مسخره ام میکنن
گابریل - اره خیلی ها تو همه چیز دخالت میکنن حتی توزندگی ما کله خنگ ها
خانم سی سیلی - الن ، گابریل خداراشکر کن که ما بیشعور نیستیم
الن پیک - واسه چی مگه بیشعوری بده

خانم سی سیلی - اره بیشعوری یه نوع بیماریه شدید ترین و خطرناک ترین بیماری جهان

گابریل - پس من حاضر م کله پیک باشم ولی بیشعور نباشم

الن پیک - پس خدار اشکر که کله پیک هستیم ، بعدشم خدار اشکر مثل بیشعورها نیستیم که برای حفظ موقعیتشون دروغ بگم وازدیگران سو استفاده کنم

{ خانم سی سیلی چترشو باز میکنه }

خانم سی سیلی - بچه ها من کم کم باید برم داره شب میشه میترسم نرسم دهکده .. خدانگهدار

گابریل - خدا نگهدار خانم سی سیلی

الن پیک - منم کم کم برم هیزم هامو بردارم فکر کنم مادر بزرگم منتظرمه

گابریل - اقای پیک من کجا برم ؟

الن پیک - خب بیا تو جییم

گابریل - مگه جیبت جا داره

الن پیک - خب برو خونه اتو

گابریل - ولی من که خونه ندارم

الن پیک - میتونی گاو بچرونی ؟

گابریل - اره ولی اگر گوسفند باشه بهتره

الن پیک - خب اگر میخوای با ما زندگی کنی با ید این کبوتر تو به اسم مادر بزرگ من کنی

گابریل - باشه بیا واسه تو...

{ الن پیک جعبه کبوترو میگیره }

الن پیک - از امروز دیگه باما زندگی میکنی ...

{ الن پیک و گابریل از صحنه خارج میشن و تا چندین سال در کنار هم در دهکده گاودوش زندگی کردن }

{نور میرود}

گابریل - الن من کله پیک ترم یاتو ؟

الن پیک - خب معلومه من کله پیک ترین کله پیک دنیام ...

گابریل - اره کله پیک جان قصه تو پایان نداره

پایان

نویسنده حسن سالارمنش

{تقدیم به کله پیک های }

شماره ۰۹۱۷۵۰۴۹۵۸۲

{ هرگونه کپی برداری و برداشت و اجرا بدون مجوز نویسنده تخلف محسوب میشود و برابر با این
نامه وزارت فرهنگ و ارشاد برخورد خواهد شد }